

## «قیام حسینی در برابر جاهلیت اولی؛ قیام خمینی در برابر جاهلیت مُدرن»

### مبحث چهارم

مرحوم شیخ صدوق (ره) در کتاب شریف «ثواب الأعمال»، به نقل از داود بن فرَقد، از امام صادق (ع) روایتی در فضیلتِ سوره فجر نقل می کند: «اقرووا سوره الفجر فی فرائضکم و نوافلکم فانها سوره الحسین بن علی (ع)» سوره فجر را قرائت کنید چرا که آن سوره ی ابا عبدالله الحسین است. البته چنین تعبیری برای حضرات معصومین، مطلب غریبی نیست! به عنوان مثال فرمودند سوره واقعه، مختص به وجود مبارک امیرالمومنین (ع) است. جالب این است که در سوره فجر - که به حضرت سیدالشهداء منسوب شده است - خدای متعال بعد از بیانِ قسم های جلاله در ابتدای سوره، اشاره به «ضربه زدن و نابود کردن و به تزلزل در آوردنِ قدرت های مادی کفر» دارد: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ وَ تَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ»

آیاد ندیدی خدا با قوم عاد چه کرد؟ باغ ارمی که در اختیار داشتند و مثل و مانندی در هیچ سرزمینی نداشت! و قوم ثمود که صخره ها را می تراشیدند و تمام قدرتشان به کاخ سازی در دل کوه ها بود! و فرعون که دارای میخ ها بود. ذیل آیه شریفه نقل است که فرعون برای نشان دادن قدرت خودش بر همگان - و به تعبیر بنده، گرفتن زهر چشم از دشمنان - چهارمیخ مهیا کرده و مخالفین خود را به روی صورت، بر تخته چوبی می خواباند و چهارطرف بدن آنان را به میخ می کشید و سپس رهایشان می کرد تا بمیرند! خدای متعال، مظاهر قدرتِ ائمه کفر، مستکبرین و طواغیت را برای مومنین توصیف می کند و سپس می فرماید: ببینید که خدا قدرتِ آنها چه کار کرد! لذا در سوره ای که به حضرت سیدالشهداء (ع) منسوب است، اولین مطلب به «فروپاشی قدرت های مادی کفار» اشاره دارد. مأموریتِ اصلی پیامبران الهی - که حضرت سیدالشهداء وارثِ همان مأموریت بود - «مبارزه با قدرتِ عینی کفر» و «ضربه زدن به مظهر قدرتِ جامعه کفار» و «فروپاشیدن نظم مادی» آنهاست. در این صورت است که فضای تنفس برای ارائه اعتقادات و احکام حقه ایجاد می شود. لذا می توان گفت بحث ما پیرامون رسالت انبیاء سلف، کاملاً با قیام حضرت سیدالشهداء مرتبط است. زیرا تاریخ یک مجموعه واحد است که سیر و مقصد واحدی دارد و نباید حوادث تاریخی را به تنهایی و به صورت بُریده و متفک از سیر تاریخ تحلیل کرد.

شب گذشته عرض شد که مأموریت اصلی تمام انبیاء عظام، «به چالش کشیدنِ قدرتِ عینی کفر» و «ایجاد جامعه الهی» است که حضرت نوح و حضرت ابراهیم اگرچه موفق به انجام امر اول شدند ولی به دلیل ترس مردم از ائمه کفر، امر دوم محقق نشد. اما در زمان حضرت موسی (ع) هر دو امر محقق شد. یعنی برای اولین، حضرت موسی (ع) به عنوان پیامبر الهی توانست پس از مستأصل کردنِ قدرت و اُبَهِتِ مادی فرعون، «جامعه الهی بر محور پرستش خدای متعال» را نیز محقق کند.

بدین ترتیب، قوم بنی اسرائیل پس از تحمل فشارهای بسیار از سوی فرعون و مشاهده آیات بی نظیر الهی از جانب حضرت موسی (ع)، از جامعه فرعون کناره‌گیری کرده و به حضرت موسی (ع) متمایل شدند که در نهایت بنا به فرمان حضرت، دستور کوچ از سرزمین مصر صادر شد. این وضعیت بر فرعون و فرعونیان گران آمد و قصد کشتن آنها را کردند: «ان هولاء لشردمه قلیلون و انهم لنا لغائظون» در این میان، بنی اسرائیل بعد از مشاهده آن همه معجزات از پیامبرشان، با معجزه جدیدی مواجه شدند و رود نیل شکافته شد و مأمور شدند از آن عبور کنند تا به دست سپاهیان فرعون نیفتند. بالاخره برای بشریت سخت است که بعد از صدها سال زندگی با ائمه کفر، بخواهد تن به لطف انبیاء الهی بدهد و لذا در روایات به نکات ظریفی در این باره اشاره شده است من جمله اینکه: بنی اسرائیل بعد از شکافته شدن رود نیل، ترس و تردید کردند و گفتند که ما نمی‌توانیم از رود عبور کنیم؛ اولین کسی که با عبور خود تردید بنی اسرائیل را شکست، کالب بن یوحنا (پسرعمه موسی بن عمران) بود. بعد از عبور کالب، دوباره بهانه آوردند که زمین خیس و باتلاقی است و شاید ما در آن زمین گیر شویم! اینها همان‌هایی بودند که به موسی گفتند: سپاهیان فرعون حتماً به ما خواهند رسید اما چنین بهانه‌هایی می‌آوردند. حضرت موسی (ع) از خدای متعال خواست و باد صبا وزید و کف رود را خشک کرد. باز هم بهانه آوردند که ما دوازده قوم از دوازده پدر هستیم، ممکن است با یکدیگر در دیر و زود رفتن دعوا کنیم؛ برای هر قومی راه جداگانه ای قرار بده! حضرت چنین کرد. دوباره بهانه کردند که در این صورت یکدیگر را نمی‌توانیم مشاهده کنیم، میان دوازده مسیر در رود نیل، دالان‌هایی قرار بده تا یکدیگر را ببینیم! حضرت چنین کردند تا اینکه بالاخره از رود نیل گذشتند که بعد از آن، رود نیل سپاهیان فرعون را در خود غرق کرد.

در واقع حضرت موسی مأمور به تشکیل امت الهی بودند و در تناسب با همین مطلب بود که به فرعون فرمود: «أرسل معی بنی اسرائیل» بنی اسرائیل را به همراه من بفرست! اما فرعون در مقابل نبی خدا مقاومت کرد و نهایتاً به عذاب الهی دچار شد. در روایات نیز آمده است: «ای بنی اسرائیل ابتداء باید از سلطه فرعون رها شوید و «خلاصی از کرب» حاصل شود و بعد از آن است که خداوند برای شما تورات نازل می‌کند و آداب زندگی الهی را به شما تعلیم خواهد داد.»<sup>۱</sup> چون وقتی که مردم تحت ظلم و ستم فراعنه و طواغیت هستند، دیگر زمینه‌ای برای جریان احکام در سطح امت دینی وجود نخواهد داشت. لذا است که بعد از رهایی از سلطه فرعونیان، خدای متعال الواح و تورات را به آنها ارزانی داشت.

بنابراین می‌توان گفت بعد از صدها سال وقتی مردم از حول «دستگاه کفر» پراکنده شدند و در راستای ایجاد «دستگاه ایمان» تلاش کردند، در این زمان است که دستگاه جدیدی به نام «دستگاه نفاق» ظهور پیدا می‌کند. افرادی که اهل قدرت مادی بودند ولی به خاطر نداشتند اعتبار و شرافت مادی در دستگاه کفر نمی‌توانستند به قله‌های کفر در آن دستگاه برسند، از اوصاف

۱. كَانَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ: إِذَا فَرَجَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ أَهْلَكَ أَعْدَاءَكُمْ أَنْتَيْكُمْ بَكْتَابٍ مِنْ رَبِّكُمْ، يَشْتَمِلُ عَلَى أَوْامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ وَ مَوَاعِظِهِ وَ عِبَرِهِ وَ أَمْثَالِهِ. فَلَمَّا فَرَجَ اللَّهُ عَنْهُمْ، أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَأْتِيَ لِلْمِيعَادِ...

حمیده‌ی دستگاه ایمان (رحمت و پرده پوشی و...) سوء استفاده می‌کردند و با ظاهرسازیِ ایمانی، چهره باطنی کفر خود را ادامه می‌دادند. آنها از طریق تردید و به چالش کشیدن مدیریت و تقدس نبی الهی، فضا را برای مدیریت خود مهیا می‌کنند. لذا به تبع ایجاد «جامعه ایمانی»، فضا برای ایجاد «جامعه نفاق» مهیا شده و در حقیقت، «معادله‌ی برخورد قدرت‌ها» سه مولفه پیدا کرد و از مواجهه بین «ایمان و کفر» به تقابل بین سه دستگاه «ایمان و کفر و نفاق» تغییر یافت. به تبع این امر، امتحانات جدید و پیچیده‌تری شکل گرفت. در همین راستا در مبحث گذشته بیان شد اگر ظرفیت جامعه شیعه از سطح «تشکیل امت» به سطح «تشکیل حکومت» ارتقاء پیدا کرده است، به همین مناسبت امتحانات او نیز سنگین‌تر و پیچیده‌تر شده است. توجه به این نکته می‌تواند راهنمای ما باشد در اینکه چرا قرآن کریم بیش از دیگر انبیاء به داستان و وقایع حضرت موسی (ع) و قومش پرداخته است. چون شباهت‌های بسیاری میان امت نبی اکرم (ص) و بنی اسرائیل وجود دارد. روایات ذیل آیه شریفه «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ»، می‌فرماید: هر سوراخی که بنی اسرائیل بدان وارد شده است امت نبی اکرم (ص) نیز وارد خواهد شد. هر امتحانی که قوم بنی اسرائیل بدان دچار شدند، امت نبی اکرم (ص) نیز بدان دچار خواهند شد. یعنی همانطور که بنی اسرائیل به تبع ایجاد جامعه الهی، دچار جامعه نفاق می‌شود، «امت پیامبر» نیز بعد از ایجاد «جامعه الهی»، دچار «جامعه نفاق» می‌شود. لذا آیات و روایات ناظر به قصص انبیاء، ماجرا و داستان گویبی مرسوم نیست، بلکه «بیان احکام امت‌سازی و حکومت‌سازی و مسائل آن» است. اگر ما بخواهیم به «فقه احکام حکومتی» برسیم ابتدائاً باید به این آیات و روایات توجه کنیم. اگر دقت شود لزوماً زبان این آیات و روایات، «انشائی و دستوری» نیست، بلکه اکثراً «زبان توصیفی» است. همانطور که جامعه‌شناس‌ها در توصیف جامعه نمی‌گویند مردم فلان کار را انجام دهید و فلان کار را انجام ندهید؛ بلکه می‌گویند اگر هنجارها یا ناهنجاری‌ها دچار این تغییرات شود، فلان نتیجه حاصل خواهد شد.

بعد از آنکه تورات بر آنها نازل می‌شود، سامری مردم را به گوساله پرستی دعوت می‌کند و آنها نیز می‌پذیرند! خدای متعال برای پذیرفتن توبه آنها حکم قتال (فاقتلوا انفسکم) می‌دهد. این بدان معناست که عذاب‌ها در سطح امت و حکومت، متناسب با همان سطح سخت و سنگین خواهد شد. یعنی گناه کسی که قصد دارد وحدت کلمه‌ی توحیدی را - که صدها سال برای تحقق آن خون‌ها و فداکاری‌ها انجام گرفته است - نابود کند، بسیار سخت خواهد بود؛ چرا که جمعیت زیادی را با خود به ضلالت می‌کشاند. آنها که بر گوساله سامری سجده نکرده بودند به حضرت موسی (ع) عرضه کردند: صحیح است آنها که سجده کردند کشته شوند ولی ما که سجده نکردیم چرا باید کسانی را که از اقوام و اقرباء ما هستند، بکشیم؟! در این صورت که مصیبت ما از مصیبت آنان بالاتر و سختتر است! پاسخ آمد: صحیح است که شما سجده نکردید ولی از آنها مفارقت هم نکردید! سپس دستور داده شد صورت‌هایشان را بپوشانند تا یکدیگر را نشناسند تا از این طریق از مصیبت آنها کاسته شود! ببینید امت نبی اکرم (ص) بعد از اینکه دست از ولایت امیرالمومنین (ع) برداشتند به چه کشتارهایی دچار شد! بعد از آنها در عصر حاضر چه اتفاقاتی ممکن است برای ما بیفتد؟ تطبیق گوساله پرستی در عصر حاضر چگونه قابل تصویر است؟! آیا ما به عنوان امت پیامبر در برابر این موضوعات و این نوع امتحانات بزرگ و پیچید قرار نداریم؟! اینکه می‌فرمایند حضرت سیدالشهداء کشتی نجات است به این معناست که ما را از فتنه‌ها و امتحانات به این بزرگی نجات می‌دهد. در روایات هست که امت

نبی اکرم (ص) بعد رحلت پیامبرشان گوساله پرست شدند؛ اما مگر امت پیامبر بعد از ایشان، بتی سنگی و چوبی را روبروی خود قرار دادند و آن را پرستیدند؟! یا حقیقت این است که شکل بت پرستی متناسب با هر دوره ای تغییر خواهد کرد؟ رحمتِ خدای متعال بر حضرت امام (ره) که این تعابیر دشمن شناسانه و بصیرت افزا را به ما یاد داد و بحث از «بت پرستی مُدرن» را مطرح کرد! حال جامعه ایمانی چطور می تواند بت پرستی مدرن را بشناسد تا بدان دچار نشود؟! مصادیق آن چه خواهد بود؟! اینها امتحاناتِ امروز جامعه ما است. اگر امروز به صورت صحیح در جنگ فرهنگی و اقتصادی وارد و خارج نشویم آیا از مبتلا شدن به چنین عذاب هایی در امان خواهیم بود؟! لذا به نظر می رسد «القرآن یجری مجرى الشمس والقمر» بدین معناست که «آیات الهی و احکام امت سازی و حکومت سازی» در تمام زمان ها جاری است.

بعد از اینکه مأمور به کشتنِ گوساله پرستان شدند، بعد از مدتی به یاد آوردند که به هنگام عبور از رود نیل، حضرت موسی (ع) به آنها فرمود «بر محمد و آل محمد صلوات بفرستید» تا به سلامتی از آن عبور کنید! این امید را پیدا کردند که با تکرار این توسل، از عذاب کشتار نجات پیدا کنند و این ذکر را تکرار کردند. لذا خدای متعال به پیامبرش وحی کرد که کشتار را متوقف کنید! قوم تو به چیزی متوسل شدند که اگر هنگام ظهور گوساله سامری به آن متوسل می شدند من به آنها عصمت از این فتنه را اعطاء می کردم! کشتی نجاتِ حضرت سیدالشهداء (ع)، هم امتحاناتِ قبل از خودش را سرپرستی می کند و هم امتحاناتِ زمان خودش و بعد از آن را سرپرستی می کند. به همین دلیل بود که عرض شد مجالس عزای اباعبدالله (ع) بزرگترین فرصت برای عبور از امتحانات و نجات امت شیعه در هر دوره است.

بعد از این امتحان بزرگ بود که فرمان آمد: «یا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَيَّ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» اکنون که توبه کردید وارد بیت المقدس شوید که خدا آن را برای شما تقدیر کرده است و به عقب برنگردید که دچار خسران شوید! وقتی به مرحله «امت سازی» رسیدید، مرحله بعدی این است که زندگی الهی را با مدیریتِ نبی الهی آغاز کنید و «حکومت الهی» را در آن سرزمین مقدس تشکیل دهید. طبق روایات، در بیت المقدس قوم کافری به نام عمالقه وجود داشتند که خدای متعال دستور جنگ و بیرون کردن آنها را صادر کرد و فرمود که در آنجا زندگی کنید. ممکن است سوالی مطرح شود و آن این که اگر خدای متعال با قدرت الهی خود بنی اسرائیل را از رود نیل عبور داد و از طرف دیگر تمام فرعونیان را نابود ساخت، چرا دوباره نیل را نشکافت تا بنی اسرائیل به سرزمین اصلی خود بازگشته و از تمام نعمت ها و کاخ ها و عمارت ها و گنج های فرعونیان بهره مند شوند و با خیالِ راحت و بدونِ سختی در آن زندگی کنند؟! پاسخ این است که خدای متعال برای بندگانِ مومنِ خود، زندگی مادی و فرعونی را اراده نکرده است، چرا که زندگی الهی با چنین جاه و جبروتِ مادی و ظالمانه سازگاری ندارد. زندگی الهی مناسبات و روابط و احکام خاص خود را دارد که خدای متعال برای تحقق آن، بنی اسرائیل را به جهاد با کفار در سرزمین جدیدی امر می کند. این مطلب نشانه بارزی از امر به «حکومت سازی» است. سخن بنی اسرائیل در برابر دستور خدای متعال چیست؟ اما بنی اسرائیل در برابر دستور جهاد گفتند: «فاذهب انت وربک فقاتلا انه هاهنا قاعدون» ای موسی، تو با خدایت به آنجا برو و بجنگ، بعد از آنکه پیروز شدید ما خواهیم آمد! آنچه که بعنوان گمانه ای

قوی برای استنباط می‌توان بدان اشاره کرد<sup>۲</sup> این است که بنی اسرائیل از ظرفیت «امت‌سازی» عبور کرده و به ظرفیت «حکومت سازی و زندگی الهی» رسیده بودند که این امر از طریق «جهاد» امکان پذیر بود. اما بنی اسرائیل در این سطح توقف می‌کنند و بعد از اینکه حکم خدای متعال مبنی بر جهاد نمی‌پذیرند، عذابی بزرگ بر آنها می‌آید: «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» سرزمین بیت المقدس بر شما حرام شد، ۴۰ سال در صحرائی سینا سرگران باشید. وقتی که حکم اجتماعی است، تخلف از آن منجر به چنین عذاب‌هایی خواهد شد! خطر مسائلی اجتماعی بسیار بزرگتر از مسائلی فردی است، چرا که بستر پرورش روحی افراد را فراهم می‌کند. اگر جامعه الهی از حکم اجتماعی و حکومتی امام خود سر باز زد و به سوی امام جور متمایل شد، عذاب‌های بزرگی در انتظار آنها خواهد بود. بنابر روایات صبح از نقطه‌ای حرکت می‌کردند و در انتهای روز، زمین از زیر پای آنها کشیده می‌شد و در نقطه آغازین قرار می‌گرفتند. ۴۰ سال به چنین عذابی دچار شدند. بعد از گذشت ۴۰ سال و توبه آنها، خدای متعال به نوادگان آنها اجازه داد که وارد بیت المقدس شوند. در ادامه این حرکت، «جامعه الهی» که در زمان حضرت موسی (ع) بوجود آمده بود، بعد از گذر زمان توسط علمای بنی اسرائیل منحرف شد و به «جامعه نفاق» تبدیل گشت و لذا به قدری تضعیف شد که تحت سلطه کفار (مثل بُخْت النصر و...) قرار گرفت و به دلیل پذیرفتن امر «حکومت الهی»، همان «جامعه الهی» شان تکه تکه شد تا حدی که خدای متعال می‌فرماید: «ضربت عليهم الذلة والمسكنة!» ذلت و خواری بر آنها حکم فرما شد. بعد از شدت خواری شان، از خدای متعال درخواست کردند که شخصی را بفرستد تا از این ذلت‌رهایی بایند. داستان حضرت جالوت (ع) و پیروزی‌های موقت آنها پیش می‌آید که دوباره انحراف در آنها سربرمی‌آورد. به همین دلیل ذلت و خواری شان ادامه پیدا کرد و در سراسر جهان به صورت پراکنده زندگی گذراندند. با ظهور حضرت عیسی (ع)، در مقابل او ایستادند و نفاق آنها آشکار شد، به حدی که با کفار روم متحد شدند تا حضرت عیسی (ع) را به شهادت برسانند! اما خدای متعال او را به آسمان‌ها عروج داد.

---

۱. البته اینها گمانه‌های اولیه برای فتح باب در زمینه «فقه احکام حکومتی» است و الا ادعای استناد قطعی این مطالب به شارع مقدس، ادعای گزافی است بلکه انجام این مهم، از وظائف سنگین فقهای عظام شیعه است.